

ویتگنشتاین و روان‌کاوی

جان هیتون

محسن محمودی



| مهرمسان خرد |

ویتگنشتاین و روان‌کاوی

جان هیتون

ترجمه‌ی محسن محمودی / ویراستار: محمود مقدس / چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد / لیتوگرافی: ندا / چاپ و صحافی: نقش نی‌زار

قیمت: ۶۵۰۰ تومان شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۰۹۰-۸-۹

ناشر: مهرگان خرد ۶۶۱۲۶۴۷۵

Mehreganpub.com mehreganekherad@gmail.com

حق چاپ و انتشار برای نشر مهرگان خرد محفوظ است.

استفاده از مطالب منوط به اجازه کتبی از ناشر است

www.ketab.ir

سرویسنامه	هیتن، جان، ۱۹۲۵ - م
عنوان و نام پدیدآور	Heaton, John
مشخصات نشر	ویتگنشتاین و روان‌کاوی / جان هیتون / ترجمه محسن محمودی
مشخصات ظاهری	تهران: مهرگان خرد ۱۳۹۴.
شابک	۳۹ ص.
وضعیت فهرست نویسی	۹-۸-۹۵۰۹۰-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	آینا
موضوع	عنوان اصلی: Wittgenstein and psychoanalysis, ۲۰۰۰
موضوع	ویتگنشتاین، لودویگ ۱۸۸۹ - ۱۹۵۱ م.
موضوع	Wittgenstein, Ludwig
موضوع	فروید زیگموند، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م.
موضوع	Freud, Sigmund
موضوع	روان‌کاوی — فلسفه.
نشانسه افزوده	محمودی، محسن، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگره	۵۹ ۱۳۳۹۲/۳۷۶B

فهرست

۹.....	پیشگفتار مترجم
۱۷.....	مقدمه
۱۹.....	توهم
۲۱.....	تدریس
۲۷.....	تداعی آزاد
۴۱.....	شکاکیت
۴۵.....	معرفت
۵۳.....	نظریه
۶۲.....	علل و دلایل
۶۵.....	آیین
۶۹.....	خود
۷۴.....	یادداشت‌ها
۷۸.....	کتاب‌شناسی
۷۹.....	اختصارات

ویتگنشتاین و فروید: روش فلسفی در مقابل روان‌کاوی

ویتگنشتاین هرگز چیزی درباره‌ی فروید یا روان‌کاوی ننوشت. هرچه که ما درباره‌ی نقد ویتگنشتاین بر روان‌کاوی فرویدی می‌دانیم یا از طریق دوست وی یعنی راش ریز^۱ به ما رسیده که برخی از گفت‌وگوهای خود با ویتگنشتاین در این باره را به‌دقت (بنگرید به *Conversations on Freud* در مجموعه‌ی *Lectures and Conversations on Aesthetics*, و *Psychology and Religious Belief*) یادداشت نموده یا از راه برخی گفتارهای کوتاهی‌ست که خود ویتگنشتاین در آثار خویش آورده است. البته این مسأله جای تعجب ندارد چراکه بیشتر نوشته‌های ویتگنشتاین یا مجموعه‌ای از سخنان وی هستند و یا درس‌گفتارهای ایرادشده (مثل پژوهش‌های فلسفی).

وقتی فروید مشغول بسط و گسترش روان‌کاوی در وین بود، ویتگنشتاین در آن شهر می‌زیست و با افرادی سروکار داشت که یا تحت

درمان این ایده‌های جدید بودند یا آن ایده‌ها "روی آن‌ها آزمایش" می‌شد. خود ویتگنشتاین هیپنوتیزم و تفسیر رؤیا را تجربه کرده بود و با بیشتر آثار فروید مثل تفسیر رؤیا و تأثیرگذاری‌های وی، مثل تأثیر بر بروئر، آشنا بود. راش ریز می‌گوید ویتگنشتاین خودش را "شاگرد یا پیرو فروید" می‌نامید ولی به نظر می‌رسد که این ادعا، فروید را از نقد جدی ویتگنشتاین بر روان‌کاوی فرویدی مصون نداشت. پیش از پرداختن به نقد ویتگنشتاین بر روان‌کاوی فرویدی لازم است تقریر موجزی از دیدگاه‌های فروید ارائه دهیم.

فروید مدعی بود که در پس رفتارهای انسان دو نیرو یا غریزه‌ی ذاتی اروس و تاناتوس وجود دارد. اروس غریزه‌ی زندگی است که جزو اصلی‌اش نیروی زندگی و رانه‌ی جنسی است حال آن‌که تاناتوس غریزه‌ی مرگی است که رانه‌ی اصلی‌اش پرخاشگری معطوف به خود یا/دیگران است. فروید معتقد بود که اروس و تاناتوس، هر دو، «اید»^۲ را می‌سازند که اولین بخش بسط‌یابنده‌ی شخصیت است. نوزاد تازه متولدشده درکی از جهان خارج ندارد و شخصیتش تنها بر اساس غرایز زندگی و مرگ عمل می‌کند، یعنی بر اساس آن غرایزی که در ذهن ناخودآگاه، بر ارضای امیال و احتیاجات تأکید می‌کنند. وقتی جهان خارج تجربه می‌شود، "اگو" که بخش آگاه شخصیت کودک است رشد می‌کند. اگو به کودک اجازه می‌دهد تا واقعیت را تمایز بخشد و تشخیص دهد که انسان برای ارضای آن‌چه "اید" می‌خواهد باید به شیوه‌ای معقول رفتار کند. اگو عقلانی و منطقی است. کودک در سن

سه‌سالگی سومین بخش شخصیت خود یعنی "سوپراگو" را بسط می‌دهد. فروید معتقد بود که سوپراگو به دو بخش "وجدان"^۳ و "ایده‌آل اگو"^۴ تقسیم می‌شود. وجدان به ما می‌گوید نباید چه کنیم، ایده‌آل اگو به ما می‌گوید باید چه کنیم. نظریه‌ی روان‌کاوی فروید از دیدگاه وی درباره‌ی رشد روان‌شناختی انسان آغاز شد و فرض بنیادینش ناخودآگاه^۵ است. این نظریه مدعی است چیزهایی که در ناخودآگاه بر زندگی و مرگ تأکید می‌کنند بسیار به "اختلالات روانی" ربط دارند. فروید برای مواجهه با ناخودآگاه، روش‌شناسی روان‌کاوانه‌ی خود را که مبتنی بر تداعی آزاد (از بیماران خواسته می‌شود تا در پاسخ به کلماتی مثل "شادی"، "عشق"، "ترس" و غیره اولین چیزی که به ذهنشان می‌آید را بگویند)، هیپوتیزم و تحلیل رؤیا است بسط و توسعه داد. ایده‌های فروید، انقلابی در اندیشه‌ی مدرن ایجاد کرد و به همین دلیل است که او را "پدر روان‌کاوی" می‌دانند.

حال اجازه دهید به ویتگنشتاین برگردم. بخشی از شهرت ویتگنشتاین در زمانه‌ی مدرن معلول این واقعیت است که او ادعا کرد فرآیند درمانی مشابه با روان‌کاوی یافته است. درست پس از جنگ جهانی دوم، از این فرآیند درمانی غالباً به "پوزیتیویسم درمانی"^۶ یاد می‌شد. مک‌گینس (۱۹۹۲، p.۳۹) می‌نویسد که استفاده از واژه‌ی پوزیتیویسم شوربختانه مخصوص پوزیتیویست‌های اصیلی است که می‌گفتند همه‌ی اندیشه باید از الگوهای

3. Conscience

4. Ego Ideal

5. unconscious

6. Therapeutic Positivism

مستعمله‌ی علم پیروی کنند، حال آن‌که ویتگنشتاین کوشید تا نشان دهد حوزه‌هایی از دانش بشری وجود دارد که از طریق علمی قابل‌دسترسی نیستند. هدف اصلی ویتگنشتاین نه به انجام رساندن موضوعات، بل روشن ساختن آن‌ها بود. پوزیتیویسم درمانی یا روش فلسفی ویتگنشتاین مبتنی است بر نظریه‌ی معنای او، نظریه‌ای که می‌گوید معنای یک کلمه هرگز کاملاً در دسترس نیست و همیشه بخشی از معنای یک کلمه پوشیده می‌ماند چراکه معنای یک کلمه به نحوه‌ی کاربرد آن بستگی دارد. به همین سیاق، برای ویتگنشتاین معنای یک رؤیا به نحوه‌ی احضار رؤیا و گزارش آن توسط سوژه بستگی دارد. انتخاب کلمات و استفاده‌ی سوژه از آن‌ها بر معنای یک رؤیا تأثیر می‌گذارد، رؤیایی که یک‌باره داده نشده بل در فرآیند روایت^۷ کشف می‌شود (McGuinness 1992, p.40). ویتگنشتاین می‌گوید در رؤیا چیز پنهانی وجود ندارد؛ در یک رؤیا، برای رؤیایی که از پیش هر آن‌چه را باید درباره‌ی آن رؤیا بداند می‌داند، اساساً همه‌چیز در دسترس است (Bouveresse, 1995, p.9). ویتگنشتاین می‌گوید:

وقتی یک رؤیا تفسیر می‌شود می‌توانیم بگوییم رؤیا با باقی که دیگر در آن عجیب جلوه نمی‌کند هماهنگ می‌شود... چنان است که گویی روی یک کرباس کوچک، یک دست و بخشی از یک صورت و شکل‌های خاصی دیگری که به شکل نامتجانس و عجیبی به هم آمیخته‌اند به ما نشان داده می‌شوند. فرض کنید این کرباس در محاصره‌ی کلی کرباس سفید است و ما روی آن‌ها

اشکالی می‌کشیم - مثل یک بازو، یک خرطوم و غیره- که با اشکال روی کرباس اصلی جور باشند؛ نتیجه‌ی این کار، چنین جمله‌ای می‌شود: آه، الآن می‌فهمم چرا این مثل آن است ... (Wittgenstein, 1966, pp. 45-46).

ویتگنشتاین فی‌نفسه با دیدگاه‌های فروید درباره‌ی تفسیر رؤیاها مخالف بود. برای فروید رؤیاها چیزهایی هستند برای تعقیب؛ فروید در پی جوهر رؤیاهاست. فروید هر جنبه از رؤیا را در پی یافتن نمادها بررسی می‌کند و این جنبه‌ها فی‌نفسه شبیه "انواع طبیعی" هستند چراکه ساختاری پنهان دارند که باید آشکار شود. ویتگنشتاین معتقد بود که دیدگاه‌های فروید درباره‌ی تفسیر رؤیاها کاملاً اشتباه بودند. او می‌گوید: "فروید نمادهای متنوعی را ذکر می‌کند: کلاه شاپو^۱ باید نمادی فالوسی باشد، میزهای چوبی نماد زنان است و غیره. تبیین تاریخی وی از نمادها بی‌معناست... توجه داشته باشید که اگر در رؤیا نمادی فهم نشود، اصلاً نماد تلقی نمی‌شود." (Wittgenstein, 1966, pp. 43-44)

به علاوه مک‌گینس (1992: 32) می‌نویسد که ویتگنشتاین همچنین این حرف فروید که تفسیر واقعی رؤیا تفسیری است که روان‌کاو ارائه می‌دهد و همچنین این حرف که تفسیر درست آن است که بهترین نتیجه را برای بیمار دارد به نقد می‌کشد. این حرف‌ها برای ویتگنشتاین غیرقابل‌پذیرش است چراکه در انتخاب فلان یا بهمان اسلوب معیار خاصی وجود ندارد، چنان‌که به نظر نمی‌رسد بین زندگی کسی و رؤیاهای او رابطه‌ی علی‌منظمی

وجود داشته باشد: "آن چه درباره‌ی یک رؤیا فریبنده است نه ارتباط علی آن با حوادث زندگی من و غیره بلکه آن است که این رؤیا کارکرد بخشی از یک داستان را دارد که باقی‌اش در تاریکی است (Wittgenstein, 1980, p.69).

ویتگنشتاین همچنین استفاده‌ی فروید از فن "تداعی آزاد" را نقد کرد چراکه هر چیز تبیینی دارد و اهمیتی. اگر کسی این فن را به شکل نوعی اسلوب زنجیرگونه به کار گیرد همیشه به نقطه‌ی خاصی می‌رسد، جایی که چیزها "معنا می‌یابند". ویتگنشتاین می‌گوید: "ولی اسلوب تداعی آزاد و اسالیب مانند آن بسیار عجیب هستند چراکه فروید هرگز نشان نمی‌دهد چطور باید بدانیم کجا توقف کنیم، از کجا بدانیم راهحل درست کجاست (Wittgenstein, 1966, p.42). نقد آخری که ویتگنشتاین در مقابل روان‌کاوی فرویدی عَلم کرد آن است که روان‌کاوی نوعی اسطوره‌شناسی است، یعنی روان‌کاوی فرویدی، بیمار را با ارائه‌ی تبیین‌هایی که زندگی بیمار را "آسان‌تر" می‌سازد، خرسند می‌کند، درست همان‌طور که اسطوره‌شناسی، در گذشته چنین می‌کرد یا هنوز در بخش‌هایی از جهان امروز چنین می‌کند؛ ولی این مسأله هیچ دلیل "قاطع" برای کاربرد آن فراهم نمی‌آورد. او می‌گوید: "احتمال دارد روان‌کاوی آسیب برساند؛ زیرا هرچند که ممکن است آدم در روان‌کاوی چیزهایی درباره‌ی خود کشف کند ولی آن فرد باید خیلی قوی باشد... نقادی به‌منظور به رسمیت شناختن اسطوره‌شناسی و نگرستن از دریچه‌ی آن است که به فرد ارائه یا تحمیل می‌شود. یک اسطوره‌شناسی

قدرتمند (Wittgenstein, 1996, pp. 51-52).

جان هیتون شرحی دقیق و روشنی از دیدگاه‌های ویتگنشتاین و پیوندش با روان‌کاوی ارائه می‌دهد و کتابی همه‌فهم و درعین‌حال جدی تدارک دیده است. هیتون، روان‌درمانگر است و دوره‌ای با رونالد دیوید لینگ همکار بود. او چندین کتاب راجع به روان‌کاوی و نیز کتاب دیگری درباره‌ی ویتگنشتاین نوشته است. در پایان لازم می‌دانم مراتب امتنان خود را از دوست مهربان و فرزانه‌ام ماکسیمیلیان کیتسلر ابراز دارم که سخاوتمندانه تمامی کتاب‌های این مجموعه و جدیدترین ویراست مجموعه آثار ویتگنشتاین به آلمانی را برایم فراهم نمود.

محسن محمودی / مهر ۱۳۹۳

منابع

- Guilherme, Alex, Wittgenstein and Freud:
Philosophical Method Vs Psychoanalysis, Practical Philosophy,
Volume 9, Issue 2, January 2008
- Bouveresse, J. (1995), *Wittgenstein Reads Freud: the Myth of the Unconscious*, Princeton: Princeton University Press. McGuinness, B. (1992), 'Freud and Wittgenstein', in *Wittgenstein and His Times*, Oxford: Blackwell
- Wittgenstein, L. (1966), *Lectures and Conversations on Aesthetics, Psychology and Religious Belief*, Oxford: Basil Blackwell.